

چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟

ادامه از صفحه اول

«قابلیت‌های ارزشی» درواقع آن چیزهایی است که با لحاظ مجموعه محدودیت‌های برخاسته از جامعه و نظام سیاسی-اجتماعی، عملا قابلیت به دست آوردن دارد. شکاف بین این دو همان محرومیت نسبی است.

با توجه به اینکه میزان محرومیت نسبی از تفاضل دو متغیر «انتظارات ارزشی» و «قابلیت‌های ارزشی» به دست می‌آید، رابرت گر سه وضعیت را که سبب افزایش میزان محرومیت نسبی می‌شود، به عنوان الگوهای محرومیت نسبی مطرح می‌کند؛ محرومیت ناشی از نزول قابلیت‌ها، محرومیت ناشی از افزایش انتظارات و محرومیت صعودی.

الف. محرومیت نزول قابلیت‌ها

محرومیت نزول قابلیت‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انتظارات ارزشی ثابت باشد ولی قابلیت‌های ارزشی به علل مختلف کاهش یابند. این امر به افزایش فاصله آن دو منجر می‌شود و احساس محرومیت نسبی را در جامعه یا در گروه خاصی افزایش می‌دهد. به‌طور کلی مردم با از دست دادن آنچه زمانی داشتند -یا مایوس‌شدن از به دست آوردن آنچه فکر می‌کردند می‌توانند داشته باشند- خشمگین می‌شوند و با یادآوری وضعیت خود در گذشته، احساس محرومیت نسبی می‌کنند.

محرومیت نزول قابلیت‌ها در حوزه ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند به علل مختلف اتفاق بیفتد. در حوزه اقتصادی، این محرومیت می‌تواند به علت کاهش تولید کالاهای مادی، رکود اقتصادی، افزایش نابرابری‌های اقتصادی، تغییر وضعیت اقتصادی گروه خاص، کاهش فرصت‌های اقتصادی و… رخ دهد. آن‌گاه این عوامل در ذهنیت افراد یا در تغییر ذهنیت افراد که به علل آگاهی‌های واقعی یا حتی کاذب کسب شده است، منعکس می‌شود. این وضعیت شباهت زیادی به نظریه سرکوب گرایز-سوروکین با نظریه مارکس دارد. همین وضعیت درباره ارزش‌های سیاسی می‌تواند به علت زیر سلطه خارجی رفتن، کاهش آزادی‌های سیاسی، ممنوع‌شدن فعالیت و حتی تأسیس تشکل‌های سیاسی یا فعالیت‌های سیاسی و انعکاس آن در ذهنیت افراد اتفاق بیفتد. چنین وضعی می‌تواند در ارزش‌های اجتماعی نیز به علت افول موقعیت اجتماعی یک گروه یا تغییر فرهنگی در جامعه رخ دهد.

ب. محرومیت افزایش انتظارات

ایبن نوع محرومیت وقتی اتفاق می‌افتد که قابلیت‌های ارزشی در جامعه یا یک گروه ثابت باشد، اما انتظارات ارزشی افزایش یابد. این شکاف بین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های اجتماعی به احساس محرومیت و نارضایتی در جامعه دامن می‌زند. در این صورت، نارضایتی انسان‌ها به این دلیل است که خود را فاقد ابزارهای لازم برای نیل به خواسته‌ها و انتظارات جدید می‌بینند.

محرومیت افزایش انتظارات هم در حوزه‌های ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به علل مختلف می‌تواند اتفاق بیفتد. افزایش انتظارات ارزشی در این زمینه‌ها ممکن است به علت افزایش تقاضای بیشتر برای ارزش‌هایی باشد که در جامعه موجود است، اما بنا بر تصور اعضای گروه، سهم عادلانه‌ای به آنها نمی‌رسیده است. مثلا وقتی قشر زنان در یک جامعه بر اثر بالا رفتن آگاهی یا تغییر دیدگاه مربوط به جایگاه زنان، سهم خود را از ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کمتر از آنچه مستحق آن هستند بیابند (مانند سهم‌شان در اقتصاد، مصادر و مناصب اجرایی و مدیریتی، شمار نمایندگان زن پارلمان و شوراها)، این احساس محرومیت جان می‌گیرد. همچنین ممکن است این تقاضای جدید مربوط به ارزش‌هایی باشد که در جامعه پیش از این وجود نداشته است؛ مانند تقاضای مشارکت سیاسی و آزادی بیان در جامعه اقتدارگرا. ممکن است این وضعیت برای گروه‌های نوپدید در جامعه ایجاد شود که سهم آنان از انواع ارزش‌های اجتماعی تعریف و مشخص نشده باشد؛ مانند گروه‌های جدیدی که بر اثر توسعه نسبی و جامعه پدید می‌آیند. همین‌طور انتظارات افراد یک جامعه وقتی می‌تواند افزایش یابد که با نوع زندگی و ارزش‌های جدید در گروه‌ها یا جوامع دیگر آشنا شوند؛ مانند روستاییانی که بر اثر نفوذ وسایل ارتباط جمعی در روستاها، با زندگی شهری و امکانات آن آشنا می‌شوند و وضع خود را در قیاس با آنها رقت‌بار و تحمل‌ناپذیر ارزیابی می‌کنند. ایجاد انتظارات بالای ارزشی به‌طور کاذب و با مقایسه‌های نادرست از سوی مخالفان یک نظام نیز یک روش معمول برای افزایش محرومیت نسبی و ایجاد شرایط مناسب برای خشونت‌های سیاسی است. به‌طور کلی عوامل مختلفی می‌توانند انتظارات ارزشی جامعه یا گروه خاصی را افزایش دهد و سبب فاصله‌گرفتن آنها از قابلیت‌های ارزشی موجود شود و به محرومیت نسبی جامعه یا گروه بینجامد.

افقی:

۱- از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده هوا-
آزانس خبری ۲- بازار عرب- پیشی‌گرفتن- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی ۳- آدرس- چند نفر می‌بخشد؛ مانند گروه‌های جدیدی که بر اثر توسعه نسبی و جامعه پدید می‌آیند-
زبان رسمی ایرانیان ۴- کتیف و نامرتب-
نوعی پارچه نرم- پستاندار اقیانوسی ۶- شهری در مازندران-
آن‌که عضوی از بدنش از کار افتاده ۷- گلخن حمام- نام سه تن از پادشاهان اسکاتلند بود-
مواظب ۸- روز جشن- پشم نرم بدن جانوران ۹- عیب و عار- علت‌ها ۹- فراخوانده‌شده- آشکارا ۱۰- مجموع کارکنان یک اداره- عدل و داد ۱۱- تسخیرشده- رسوا و بی‌آبرو- راه فرار ۱۲- زنان بر سر کنند- سخن- کلام- چاشنی غذایی ۱۳- گور- از درجات قدیم ارتش ایران- آنچه به عنوان برآورده‌شدن حاجات به تنگدستان می‌بخشد؛ آتش هفت‌دانه- پاره‌خط جهت‌دار- گرسنه نیست ۱۵- فیلمی در ژانر درام تاریخی حماسی ساخته رابرت اگرز و بازی نیکول کیدمن- مدفن شیخ مفید

عمودی:

۱- کافی- فراگیرکردن- گام ۲- هفت ستاره روشن در صورت فلکی گاو- طفیلی ۳- خطاب مردانه- از الفبای زبان یونانی- مناسب ۴- خوابیده- افسرده- قابلیت ارتجاعی دارد ۵- آینده- عنوان احترام‌آمیز نظامی- آیین‌ها ۶- تکرار حرف دوم- گذراندن و صرفکردن- موی پشتر لب مرد ۷- از جنس آهن- ضربه‌ای در تنیس روی میز- از سازهای کوبه‌ای ۸- رمانی معمایی- چنانی از فریدا مک فادن، نویسنده آمریکایی-

ج. محرومیت صعودی

این نوع محرومیت درواقع الگوی تعمیم‌یافته دیویس است که علاوه بر ارزش‌های اقتصادی، درباره ارزش‌های سیاسی و اجتماعی نیز صدق می‌کند. این وضعیت وقتی اتفاق می‌افتد که «بهبود طولانی‌مدت و کم‌وبیش پیوسته وضعیت ارزشی مردم»، انتظاراتی را درباره استمرار این بهبود پدید می‌آورد. اگر توانایی‌های ارزشی پس از دوره‌ای از بهبود ثابت بماند یا کاهش یابد، محرومیت نسبی صعودی یا پیش‌رونده پدیدار می‌شود.

چنین وضعیتی در جوامعی رخ می‌دهد که در حال دگرگونی و توسعه هستند و در آنها هم‌زمان و به مدت طولانی انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی جامعه رشد می‌کند، ولی در مقطع خاصی انعطاف‌ناپذیری یا اشباع ساختارهای جامعه اجازه رشد بیشتر قابلیت‌های ارزشی را نمی‌دهد. به نظر رابرت گر، محرومیت نسبی صعودی موضوع مشترک بسیاری از نظریه‌های قدیمی و برخی از نظریه‌های جدید است که پتانسیل انقلابی را ناشی از دگرگونی‌های کلی اجتماعی می‌دانند. الگوهای سه‌گانه یادشده نشان می‌دهند از نظر رابرت گر، میزان محرومیت نسبی یا فاصله بین انتظارات و قابلیت‌های ارزشی، به شکل‌ها و علت‌های متعدد افزایش می‌یابد و همین موضوع سبب به وجود آمدن پتانسیل خشونت سیاسی یا به‌طور مشخص‌تر شرایط انقلابی می‌شود. از نظر رابرت گر، وقتی انتظارات متراکم و امیدها تباه می‌شوند، شورش رخ خواهد داد.

دقت در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و سازوکارهای حاکم بر آن به‌صورت آشکار نشان می‌دهد همه صور احساس محرومیت نسبی در جامعه ایران به تمامی حضور فراگیر دارد.

۳

براساس نظریه بنیادین رابرت گر، در اثر ارزشمند «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» که یکی از معتبرترین تئوری‌های جامعه‌شناسی انقلاب است، اساسا «محرومیت نسبی» عامل زایش نارضایتی است و هر نوع نارضایتی در یک روند خطی منجر به نارضایتی سیاسی می‌شود. تصور کنید کارمندی که بر اثر تورم فزاینده از تأمین امکانات اولیه زندگی بازمی‌ماند، ابتداءساکن ممکن است این امر را ناشی از شرایط اقتصادی فرض کند که توسط بازار بر او تحمیل شده است، اما در پی آن انتظار دارد دولت -یا حاکمیت- با دخالت در بازار جلوی ناترازی هزینه و درآمد او را بگیرد و آن‌گاه که دولت از این کار امتناع ورزد یا یارای انجام آن را نداشته باشد، آن کارمند عامل وضع موجود را دولت می‌داند و نارضایتی خود را متوجه دولت می‌کند. کسی که یکی از نزدیکانش بر اثر نقص فنی خودرو یا ایمن‌نبودن جاده در تصادف کشته می‌شود، شاید ابتدا شرکت خودروساز یا پیمانکار جاده را عامل مصیبت خود بداند، اما اندکی بعد بی‌کفایتی دولت در نظارت بر خودروساز و جاده‌ساز را عامل اصلی می‌داند. با زنی که اختلاف خانوادگی منجر به تالمات روحی‌اش شده، آن‌گاه که در مراجعه به دادگاه خواهان طلاق می‌شود و قاضی چنین حقی را به بهانه ماده یا تبصره‌ای از او سلب می‌کند، چون قانون‌گذار و قاضی متعلق به نهاد حاکمیت هستند، او حاکمیت را عامل ناکامی خود می‌داند.

به عبارتی چون حاکمیت مسئول وضع و تنظیم تقریبا همه سازوکارهای حاکم بر جامعه است، شهروندان نوعا ناکامی‌های فردی و اجتماعی را ناشی از ناکارآمدی یا فساد حاکم بر دولت می‌دانند. این نگرش به‌ویژه درباره دولت‌هایی که از ساختار اقتدارگرا برخوردارند و سرپنجه‌های دولت را علاوه بر امور عمومی حتی در امور خصوصی شهروندان مانند روابط اجتماعی، ازدواج و طلاق و فرزندآوری می‌توان آشکارا دید، بسیار پررنگ‌تر و برجسته‌تر است. به عبارتی، هر قدر دولت‌ها در امور بیشتری حضور داشته و در همه امور علی‌الاطلاق دخالت کنند، در شرایط دشوار و بحرانی، میزان قصور و گناه‌شان نزد شهروندان بیشتر است. سیر حضور و دخالت سیری‌ناپذیر دولت‌ها در همه امور اجتماعی، اعتقادی، ایدئولوژیک، فکری، فرهنگی و حوزه‌های خصوصی افراد در دهه‌های گذشته باعث شده حاکمیت اینک به‌گونه‌ای گریزن‌ناپذیر مسئول همه چالش‌های جامعه باشد. این اتفاق طی روندی پیوسته و صعودی رخ داده و اینک به‌رغم بروز و ظهور نشانه‌های آشکار شکست آن، مداوم و تشدیدش را به‌ویژه در حوزه‌های فردی و خصوصی می‌توان دید. زمانی دولت‌ها تا پشت بام خانه‌ها حضور می‌یافتند و بر آتن‌های ماهواره شهروندان حکم می‌راندند و اینک به‌گونه‌ای عریان تا خصوصی‌ترین پستوهای شهروندان نفوذ کرده و بر کیفیت و کمیت بارداری و شمار فرزندان خانواده‌ها اعمال نظر می‌کنند. چنان‌که به نظر می‌رسد دولت -حاکمیت- این شیوه حکمرانی را به عنوان یک راهبرد تغییرناپذیر و بدون بازگشت برگزیده که به همین سبب پیامدها و عکس‌العمل‌های آن هم بی‌بازگشت خواهد بود.

کودکان گرفتار در سوگ جمعی

در سال‌های بالاتر، از چهارم تا هفتم، مدل گفت‌وگو با کودکان کمی تغییر می‌کند و می‌توان با آنها به شکل متفاوتی گفت‌وگو کرد: «از هشتم تا دوازدهم، کودکان وارد مرحله‌ای از بلوغ فکری شده‌اند و آنها بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگو نیاز دارند و باید امکان بیان احساسات خود را داشته باشند. چه بهتر است که ما به سمت کمک‌کردن به آنها در این گفت‌وگوها و حل مسائل ذهنی‌شان حرکت کنیم. این امر می‌تواند هم از سوی خانواده و هم از سوی مدرسه انجام شود. گفت‌وگو می‌تواند به شکل صریح باشد، یا شامل فعالیت‌هایی مانند مطالعه کتاب‌هایی مرتبط با وضعیت فعلی یا مشاهده فیلم‌هایی مرتبط با موضوع. به هر نحوی که ممکن است، این گفت‌وگو باید فراهم شود».

او با اشاره به ادبیات خشونت توضیح می‌دهد: «می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم که ادبیات مرتبط با این موضوع، به‌ویژه درباره بروز خشونت در خیابان، بسیار محدود است؛ اما می‌توان موضوع سوگ و ازدست‌دادن را به جنگ یا شرایط مشابه ربط داد. برای مثال، با کودکان بزرگ‌تر می‌توان درباره وضعیت کشورهای منطقه مطالعه کرد و از تجربه افراد دیگر آگاه شد تا کودک دریابد که انسان‌ها از این تجربه‌ها برای ایستادگی و بازگشت به زندگی بهره می‌برند. خواندن و شنیدن از تجربه دیگران، به نظر من برای نوجوانان بسیار مؤثر است».

کودکان گرفتار در سوگ جمعی

درباره کودکان خردسال‌تر، به‌ویژه زیر سن دبستان، واقعا باید مراقبت ویژه‌ای صورت گیرد تا در معرض اخبار سنگین قرار نگیرند: «برای کودکی پنج‌ساله، طبیعی‌شدن این موضوع که افراد ممکن است کشته شوند، بسیار زود و وحشتناک است. فهم مرگ و پذیرش اینکه افراد نزدیک ممکن است جان خود را از دست بدهند، برای ذهن کودک زیر دبستان بسیار دشوار است. با این حال، شفاف‌بودن و آگاه‌کردن کودک متناسب با سن وسال او، واقعا وظیفه خانواده است».

این فعال حقوق کودک با اشاره به جنگ به گفته‌هایش خاتمه می‌دهد: «همان‌طور که درباره جنگ نیز پیش‌تر گفته‌ایم، به والدین توصیه می‌شود به کودکان توضیح دهند؛ برای مثال، وقتی کودک صدای خمپاره می‌شنود، ممکن است به کودک دوساله بگویند که این صدا صدای شادی است و با آن بخندد، اما به کودک پنج‌ساله نمی‌توان چنین گفت؛ زیرا اضطراب والد را مشاهده می‌کند و سریع متوجه می‌شود که مشکلی در حال رخ‌دادن است. در چنین شرایطی، بهتر است برای کودک توضیح داده شود که این صدا ناشی از جنگ است، هر چند ممکن است برای والدین گفتن این حرف دشوار یا حتی بی‌معنی به نظر برسد. با این حال، کودک به حضور و پشتیبانی جمعی نیاز دارد تا حس امنیت و درک شرایط را پیدا کند».

نگرانی از سلامت روان دانش‌آموزان

مدیر یک مدرسه که به این روزها با اشکال مختلف بحران و اتفاقات پیچیده با دانش‌آموزان روبه‌رو بوده است نیز به شرح شرایط می‌پردازد. او که مدیر یکی از مدارس غیردولتی پسرانه تهران در بازه سنی شش تا ۱۲ سال است، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «ابتدا لازم است اشاره کنم که دانش‌آموزان ما در بازه سنی شش تا ۱۲ سال قرار دارند؛ یعنی پسران مقطع دبستان. بنابراین با توجه به نشان، معمولا حضور یا مشاهده مستقیم در تظاهرات خیابانی ندارند. بیروز هیجان‌ها و واکنش‌هایی که به مدرسه منتقل می‌شود، در واقع یا تحت تأثیر حضور فعال/ منفعل آنان در بحث‌های خانوادگی و دوسانه است، یا از طریق رسانه‌های خبری و تلویزیونی شکل می‌گیرد. با وجود توصیه‌هایی که معمولا به والدین می‌کنیم مبنی بر اینکه اساسا دیدن و شنیدن اخبار برای کودکان غیرضروری و حتی مضر است -و در شرایط ملتهب این آسیب می‌تواند بیشتر هم باشد- با این حال گاهی از روی استیصال، ناگاهی یا بی‌تفاوتی، این موضوع از کنترل خانواده خارج می‌شود و کودکان در معرض این اخبار قرار می‌گیرند. در نتیجه، صحنه‌هایی را به‌ویژه از تلویزیون مشاهده می‌کنند که طی یک ماه گذشته نیز کم نبوده است. این تصاویر گاهی تا مدت‌ها در ذهن و روان بچه‌ها حک می‌شود و ممکن است جزئیات آن را برای دوسان خود بازگو کنند». به گفته او پس از اعتراضات اخیر، مشاهده دانش‌آموزان کمتر رخ داد: «ما امسال و بعد از وقایع هجدهم و نوزدهم دی‌ماه، خیلی کمتر از اعتراضات سال ۱۴۰۱ دانش‌آموزان را دیدیم. در سال ۱۴۰۱ فرصت بیشتری وجود داشت. دانش‌آموزان شعارها و هیجانات خود را با خود به مدرسه می‌آوردند و گاهی اوقات حتی به کل‌کل‌ها و رجزخوانی‌ها نیز ختم می‌شد. امسال اما به خاطر تعطیلات متعدد کمتر بچه‌ها را دیدیم اما بازهم ماجرای شعارها مطرح بود. دانش‌آموزان دوره اول گاهی اوقات حتی واژه‌ها را هم به‌درستی ادا نمی‌کنند، هر چند ممکن است معنای آن کلمات را ندانند. اما در دوره دوم، به‌ویژه پایه‌های پنجم و ششم، به هر حال می‌دانند دست‌کم چه چیزی را بیان می‌کنند و این شعارها با چه منظوری مطرح شده است؛ البته با برداشت و تفسیر خودشان».

با وجود این، او به عنوان مدیر مدرسه با ممل‌هایش قراری بسته‌اند: «قرار ما با معلمان این است که با توجه به یک فرض عمومی، دانش‌آموزان فارغ از عقیده سیاسی و دینی خانواده‌های خود باید در اینجا با یکدیگر معاشرت اجتماعی داشته باشند. در واقع ممکن است ما مستقیم درباره این موضوع با بچه‌ها صحبت نکنیم، اما این پیام را به‌صورت غیرمستقیم -و در ارتباط با والدین- به آنها منتقل می‌کنیم که فارغ از عقاید خانواده، می‌توانیم معاشرت اجتماعی سالمی با یکدیگر داشته باشیم. در مواجهه با این شعارها، نه تقابل و نه آنها را تحلیل می‌کنیم. حتی نسبت به شعارها، تکیه‌ها، طعنه‌ها و اصطلاحاتی که ممکن است نه با کنش آنها و نه با فرمایشان موافق نباشیم، وارد بحث، تحلیل و جدل با دانش‌آموزان نمی‌شویم.

زیرا در دوره اول، اساسا ممکن است معنای آنها را ندانند و در دوره دوم، به‌ویژه در پایه‌های

جدول ۵۲۶۶ طرح: بیژن گورانی

حل سودوکو ۴۲۶۱

۶	۳	۱	۸	۷	۴	۲	۵	۱
۷	۵	۸	۱	۲	۹	۶	۳	۴
۴	۱	۲	۵	۶	۳	۸	۹	۷
۹	۶	۱	۳	۵	۷	۸	۴	۲
۵	۸	۳	۷	۴	۶	۱	۲	۹
۲	۷	۴	۹	۸	۱	۳	۶	۵
۱	۹	۷	۵	۶	۳	۴	۲	۸
۳	۲	۵	۴	۱	۸	۹	۷	۶
۸	۴	۶	۳	۹	۷	۵	۱	۲

۱	۳	۴	۸	۹	۲	۵	۷	۶
۸	۹	۷	۱	۵	۶	۲	۴	۳
۲	۵	۶	۳	۷	۴	۱	۸	۹
۴	۷	۱	۵	۲	۹	۳	۵	۸
۶	۸	۹	۱	۵	۴	۳	۷	۲
۵	۲	۳	۷	۱	۸	۹	۶	۴
۷	۶	۵	۹	۸	۱	۴	۳	۲
۳	۱	۲	۴	۶	۷	۸	۵	۱
۹	۳	۸	۲	۳	۵	۶	۱	۷

حل جدول ۵۲۶۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۲	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۴	۲	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۵	۳	۲	۱	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۶	۴	۳	۲	۱	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۷	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۹	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

سودوکو سخت ۴۲۶۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۲۶۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.



پنجم و ششم، به هر حال چون به سن نوجوانی نزدیک هستند، احتمال دارد کوچک‌ترین حساسیتی از جانب ما مشاهده کنند و در نتیجه هیجانشان بیشتر شود».

این مدیر مدرسه با اشاره به مشاهدات اخیر خود ادامه می‌دهد: «در باره تأثیرات روانی یا احیاناً جسمی، واقعیت این است که تاکنون جز یکی، دو مورد، روایت مستقیم و دقیقی در اختیار ندارم. گاهی اوقات معلمان مواردی را منتقل می‌کنند. یکی، دو نمونه نیز با توجه به سابقه سال ۱۴۰۱ بوده است؛ زمانی که دانش‌آموزان کوچک‌تر بودند و در آن مقطع، چه در روزهای اعتراض و چه چند ماه پس از آن، هم‌زمان با ماجرای مسمومیت‌های مدارس دخترانه، ترس عمومی در میان خانواده‌ها ایجاد شده بود و طبیعتا این نگرانی به کودکان نیز منتقل می‌شد. در آن دوره مواردی داشتیم که ناچار می‌شدیم در میانه روز با والدین تماس بگیریم و دانش‌آموز را تحویل آنان دهیم تا او را به منزل ببرند؛ چراکه کودک دچار نوعی بی‌قراری و آشفتگی می‌شد که امکان حضور در کلاس را نداشت و از طرفی ما نیز نمی‌توانستیم او را خارج از کلاس نگهداریم. این وضعیت گاهی با بغض و تپش قلب بالا همراه بود و به هر حال در چنین شرایطی ترجیح ما این بود که دانش‌آموز در کنار خانواده خود باشد. در این دوره نیز یکی، دو مورد مشابه داشته‌ایم».

او با مرور آنچه در ایام گذشته رخ داده بود و تجربه آن دوران می‌گوید: «شرایط این‌بار واقعا به‌گونه‌ای پیش رفت که برای ما دشوار بود به‌صورت مستقیم پرس‌وجو کنیم. در سال ۱۴۰۱ یا حتی در جریان جنگ ۱۲روزه -هرچند در تابستان و در ایامی بود که مدارس تعطیل بود و از بیست‌وسوم خرداد عملا کسی در مدرسه حضور نداشت- ما پیگیر شدیم. از طریق تماس تلفنی و پیام‌رسان واتس‌اپ، تا جایی که وضعیت اینترنت اجازه می‌داد، تلاش می‌کردیم با تک‌تک خانواده‌ها ارتباط بگیریم و از حال و وضعیتشان مطلع شویم؛ به‌ویژه خانواده‌هایی که نزدیک محل‌هایی بودند که حوادث یا انفجارهایی رخ داده بود. اما این بار واقعا خود ما نیز تا حدی به‌هم‌ریخته بودیم که اساسا تمایلی به مواجهه مستقیم با این موضوعات نداشتیم و به همین دلیل پیگیری مستقیم و دقیقی هم انجام نشد. مهم‌ترین کاری که ما در مدرسه انجام می‌دهیم و واقعا نوعی توافق عمومی درباره آن وجود دارد، حفظ آهنگ روزانه زندگی بچه‌هاست. به همین منظور، هم به والدین به‌صورت شفاهی و هم مکتوب توصیه می‌کنیم که حتی پیش‌پاافتاده‌ترین آیین‌های روزمره کودکان را نیز تا حد امکان بر هم نزنند؛ از جمله ساعت خواب و بیداری، وعده‌های غذایی، فعالیت‌های ورزشی، پیاده‌روی‌ها و برنامه‌های خانوادگی».

با وجود این، تلاش برای حفظ شرایط عادی برای دانش‌آموزان است: «ما نیز در مدرسه تمام تلاش خود را می‌کنیم که روال عادی حفظ شود. اگر قرار است اردویی برگزار شود، آن را لغو نمی‌کنیم؛ برنامه‌های بازی و ورزش به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند. اگر میهمانی قرار بوده به مدرسه بیاید -که در مدرسه ما امری رایج است- آن را نیز لغو نمی‌کنیم. کلاس‌ها و سایر برنامه‌ها برقرار است. در بسیاری از موارد مشاهده کرده‌ایم که بچه‌ها پس از این هیجان‌ها و اتفاقات که هیچ‌کدام از ما دقیق نمی‌دانیم تا چه اندازه در معرض آن بوده‌اند، وقتی یکدیگر را پیدا می‌کنند، بازی‌ها و گفت‌وگوهایشان نوعی معجزه ایجاد می‌کند. حتی اگر ترس و دلهره‌ای وجود داشته باشد یا شدیدتر از آن، در معرض تجربه‌ای قرار گرفته باشند، یا باواسطه یا بی‌واسطه از مرگ کسی باخبر شده باشند و این موضوع بتواند به یک تروما تبدیل شود، باور ما این است که وقتی بچه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند، هضم و کنارآمدن با آن برایشان آسان‌تر می‌شود. ما واقعا معتقدیم دنیای بازی، تخیل و شیطنت‌هایشان می‌تواند معجزه کند. بنابراین مهم‌ترین کار ما واقعا همین حفظ زندگی روزمره بچه‌هاست».

۹	۶	۴	۸	۵
		۴		
۸			۶	۱
۴	۲	۵	۳	۹
۹	۱	۶		
		۷	۸	۴
	۶			۷
		۹		
		۵	۹	۳

		۳	۲		۱
	۶		۱		۵
		۶		۸	
	۴	۸	۶	۱	۹
	۶		۷		۴
		۱	۴	۲	۸
			۹		۷
			۱		۸
		۷	۳		۱